

بعضی پرستارها هم
استباهی اند و باید
دکتر می شدند.

پرستارهایی مدات کردم...
این سرم توهم شه. کل خون دیرنم
برگشت داخلش... الان می تونم
اها من کنم به یک بیچاره دگه...



پرستارها یک جا هایی آموزگاری می شوند.



... و باز نشستگی هم ندارند.

اونجا ده نفر مجروح و زخمی
دارم می بینم. شما برین
من دیرتر میام...

